



شهره جوادی، دکتری تاریخ
هنر، استادیار گروه مطالعات
عالی هنر دانشگاه تهران
Javadi1336@gmail.com

چکیده : منظرپردازی و گرایش به طبیعت در مینیاتور شاخه‌ای از هنر طبیعت‌گرای ایران باستان است که ریشه در باورها و آیین‌های نیاکان ما دارد. آنچه فضای مینیاتور را با خیال و رویا و به عقیده جمعی از اندیشمندان به عالم مثال و عالم تجرید پیوند می‌زند، شیوه قرارگیری عناصر واقعی و طبیعی است که در زمان و مکانی واقعی نمی‌گنجد و به گونه‌ای غیر متعارف، رویایی و نمادین در کنار هم قرار گرفته‌اند. این مقاله با استناد به نگاره‌های همایون در باغ شاهی، حضور طبیعت واقعی و نمادین را در این اثر بررسی و در نهایت شیوه خاص پردازش طبیعت در نگارگری ایرانی را در راستای ضرورت تبیین مفهوم قدسی طبیعت در دوران پیش از اسلام ارزیابی می‌کند.

واژگان کلیدی : طبیعت، مینیاتور، نماد، خیال، واقعیت، آیین و باور.

تصویر ۱ : نگاره همایون و همای در باغ شاهی از نسخه‌های همایون خواجوی کرمانی هرات، حدود ۸۴۴ (۳۹×۱۷/۵cm). منسوب به غیاث‌الدین خلیل، پاریس، موزه هنرهای تزئینی، مأخذ : ا.م. کورکیان، ۱۳۸۷ : ۸۳.

منظر طبیعت در مینیاتور ایرانی



تحلیل منظرپردازی نگاره‌های همایون



بر سینه زنده ساز و نای هر دم محکم
 آواز کز نای الزما هر دم
 خاور زمین هر دم آید نای و نای

لا اله الا انت سبحانک انی کنت
 من الذالین

هر حکایت که کرد

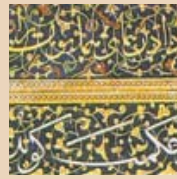
سیان تو یک سوی دارم که
 بر سندی زلف تو بر آسم
 من از غم جو سوزی و در سوزم
 ز خود شنید روی تو در آسم
 ز من زلفت نخو دیدم
 چه نستی که من و شنیدم

در این تصویر از یک صحنه در باغی که در آن یک پادشاه و سه زن دیده می‌شود. پادشاه در مرکز تصویر ایستاده و یکی از زنان در حال تقدیم چیزی به او است. در پس‌زمینه یک کاخ با سقف قرمز و دیوارهای زرد دیده می‌شود. آسمان شب با ماه و ستاره‌ها تزیین شده است. باغ پر از گل‌های قرمز و سبزه است.

در این تصویر از یک صحنه در باغی که در آن یک پادشاه و سه زن دیده می‌شود.

در این تصویر از یک صحنه در باغی که در آن یک پادشاه و سه زن دیده می‌شود.

من نای هر دم از طلت نای



مقدمه

فضایی روشن و شفاف همچون پرده‌ای رنگین دلدادگان را احاطه کرده‌اند. گل و گیاهان نامبرده معمولاً در باغچه حیاطها و باغ‌های ایرانی وجود داشته‌اند که علاوه بر زیبایی جنبه سودمندی نیز داشته‌اند. همچون گیاهان دارویی، درختان میوه، درختان پر شاخ و برگ، که نقش سایه‌دهی آنان همه در باغ‌سازی ایرانی نقش داشته‌اند. درختان شکوفه سفید و صورتی بر لب جوی خودنمایی می‌کنند و شکوفه‌های سفید با ستارگان در آسمان لاجوردی پیوند خورده‌اند. بخشی از حصار باغ با رنگ قرمز و نارنجی زیر آسمان نیلگون ستارگان و هلال زرین ماه خودنمایی می‌کند. سرستون‌هایی از کله شیر که آرایش یال شیران به شعاع‌های خورشید می‌ماند به همراه شکوفه‌های سفید در آسمان لاجوردی جلوه‌گر شده‌اند. طبیعت با دو منظر روز و شب که هر دو هنگام در اوج زیبایی و شکوه ترسیم شده‌اند دو دلداده را به شور و سرمستی فرا می‌خوانند. آنچه از عناصر منظر و طبیعت در این صحنه مشاهده می‌شود؛ همانا عناصر واقعی و ملموس است که در باغ‌ها و حیاط‌های ایرانی وجود دارند اما در اینها با چیدمانی بدیع و روایی ظاهر شده‌اند. همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد؛ نقاش حال و هوای اطراف خویش را با خیال و آرزوها پیوند زده و فضایی وهم‌انگیز، برآمده از خیال که متضمن ویژگی‌های امر قدسی باشد را تصویر کرده و آراسته به زیباترین گونه طبیعت را مجسم می‌سازد. مثلاً ترکیب شب و روز به هنگام دیدار همایون و همای از شب‌هنگام تا سپیده‌دم، چنان که فضای باغ روز روشن با تابش خورشید را می‌نماید؛ در حالی که آسمان لاجوردی شب، پر از ستارگان و ماه طلایی و نورافشان است. ممکن است تصور شود که دیدار دلدادگان در شب مهتابی صورت گرفته و نور ماه است که بر زمین تابیده و فضای باغ را روشن کرده است؛ اما در نور ماه به واقع (در عالم واقعیت) رنگ‌ها همچون نور روز به نظر نمی‌رسند. یعنی نور مهتاب با نور آفتاب متفاوت است و رنگ‌ها جلوه‌های گوناگون دارند. در این صحنه هنرمند با چیدمانی خیال‌انگیز و بدیع زمین و آسمان، شب و روز و عوالم ذهنی و عینی را به هم پیوند می‌زند و تصویر واقع را در کنار و هم‌زمان با منظره‌ای ذهنی که فضای ویژه خود را دارد یکجا ارائه می‌کند. در حقیقت، هنرمند نقاش با شکستن مرزهای زمان و مکان، عناصر طبیعت را در وضعیتی نوین که در عالم واقع وجود ندارد، نقاشی می‌کند؛ وضعیتی که از حال و هوای قدسی آنها حکایت می‌کند (تصویر ۱). این شیوه خیال‌پردازی درحالی که "صورت‌های خیالی هنرمند می‌تواند نشأت‌گرفته از روایت، داستان، مضامین و موضوعات گوناگون و یا احساسات شخصی باشد..."^۱ به دلیل شرایط ویژه معنایی مینیاتور انتخاب شده است (نوروزی‌طلب، ۱۳۸۹: ۶۹).

در بسیاری از صحنه‌های نگارگری ایران، درختان شکوفه و بید مجنون با نسترن‌های سرخ و سفید و گل‌های محمدی در فضای باغ یا بر تپه و دشت و کوه حضور دارند. شکوفه‌ها نمادی از بهار و سرمستی و شاید جوانی و ناپایداری را نشان می‌دهد و نسترن و عطر گل‌های محمدی نیز نوید بهار و شور و عشق را می‌دهند. بید مجنون، نماد عاشقی و خضوع و سرگستگی است. درختان سرو گاه با گل‌ها یا میوه‌های سرخ رنگ نمایان می‌شوند که همان نسترن‌ها یا گل‌های محمدی است که به دور سرو پیچیده‌اند و گاه میوه‌های کاج را بر سبزی برگ‌ها و شاخه‌های درخت می‌بینیم. این صحنه در ظاهر کاملاً واقع‌گراست و امروز نیز در باغ و بوستان‌ها نظیر آن را می‌بینیم، مشابه آنچه سابقاً در اکثر حیاطها و باغ‌های ایران نیز رایج بود. اما از دیگر سو حضور گل و میوه بر سرو همیشه سبز و نماد جاودانگی و نماد راست قامتی یار به واسطه گل و میوه شادابی و سرزندگی آن افزوده می‌شود. همچنین بید مجنون که در کنار جویبارها و باغ‌های ایرانی همیشه وجود داشته از یک سو زیبا و سایه‌گستر است، از دیگر سو نماد

نگاره همای و همایون در باغ شاهی با حضور رنگارنگ طبیعت و منظر دلنشین باغ و بوستان ایرانی چنان حال و هوایی به مینیاتور ایرانی بخشیده که صحنه‌های این جهان را به جهان ماورایی پیوند می‌زند. این شیوه در تصویرسازی اغلب نگاره‌ها (اعم از داستان‌های عاشقانه و بزمی، شکار و رزم شاهان و یا صحنه‌های حماسی از نبرد رستم و دیو سفید و دیگر موضوعات مانند اندرونی شاهان، مجلس درس و بحث فقها و عرفا) دیده می‌شود. این صحنه‌ها در دل طبیعت روی داده و شخصیت‌های داستان معمولاً در میان باغ و بوستان هستند و یا از طریق پنجره و دریچه‌ای با طبیعت و باغ در ارتباطند. در تزیینات معماری، لباس، آلات و ابزار و اثاثیه همچون فرش، پرده، ظروف و اشیاء نیز نمادها و نشانه‌های طبیعت آشکار است. آنچه موجب حضور مؤثر و بارز عناصر طبیعی در هنر مینیاتور ایران شده پیشینه باورها، رسوم و آئین‌های نیاکان است که طبیعت را گرمای می‌داشتند و به عناصر برگزیده آن همچون آب، آتش، آسمان و اجرام سماوی مانند خورشید و ماه و ستارگان با دید احترام و تقدس می‌نگریستند. همچنین گیاهان را به عنوان نشانه‌های حیات و سرسبزی و طراوت می‌ستودند و گیاهانی خاص را مقدس دانسته و در حفظ و نگهداری آن می‌کوشیدند. تا جایی که آنان را به ایزدانی منسوب کرده و برایشان نیایشگاه‌ها برپا می‌داشتند. سروهای مقدس، چنارها و گاه بر حسب منطقه و جغرافیا درختانی چون بید، گز و بلوط را محترم شمرده و به آنان دخیل می‌بستند. سایر گیاهان و گل بوته‌ها و درختان پر گل و شکوفه و حتی گل‌ها و گیاهان خودرو نیز به جهت سودمندی در باغ‌ها و حیاط‌ها فراوان بوده و از آنها حفاظت می‌شده است. بنابراین آنچه از گیاهان در باغ‌ها و حیاط‌خانه‌های ایرانی وجود داشته علاوه بر جنبه زیبایی، سودمندی و نقش فایده‌رسانی آن مطرح بوده است؛ که بعضاً جنبه آیینی و تقدس به خود گرفته‌اند.^۱ در صحنه‌های مینیاتور، واقعیت و خیال به هم آمیخته است. باغ پر گل و رنگین و فضای معطر و دل‌انگیز همان است که در زندگی روزمره مردم وجود داشته است. و زمانی که صورتگر در پی ساخت و پرداخت موضوع داستان بوده، طبیعتاً به اطراف و محیط خویش رجوع می‌کند؛ همای و همایون را در باغی زیبا به تصویر می‌کشد که خود و دیگر هم‌نوعانش در آن فضا زندگی می‌کنند. اما قرارگیری عناصر واقعی و طبیعت موجود در قالبی فزاینده و فرامکانی شکل می‌گیرد. در نگاره دیدار همایون و همای که از زیباترین نگاره‌های عصر تیموری است به معرفی و تحلیل عناصر منظر می‌پردازیم.

فرضیه

طبیعت‌گرایی در مینیاتور، برخاسته از باورهای کهن ایرانیان مبنی بر تقدس عناصر طبیعت نزد آنان است. هنرمندان ایرانی برای ترسیم عناصر منظر (مفاهیم مقدس برگرفته از طبیعت)، آنها را در شرایط غیر واقعی و در ترکیباتی خیالی از طریق افزودن و کاستن از ویژگی‌های محیط قرار می‌دادند. در نتیجه مینیاتور ایرانی با نقش‌پردازی و رنگ‌آمیزی به شیوه معمول، واقعیت و خیال را در هم آمیخته و این جهان را به عالم ماوراء پیوند می‌زند.

تحلیل نگاره

دو دلداده در باغی خیال‌انگیز درحالی که ملاقات یکدیگر آمده‌اند که گل و بوته‌های رنگارنگ، جویباری پیمان که از لابلای درختان شکوفه می‌گذرد و درختچه‌های گل سرخ و محمدی، ختمی‌های قرمز و سفید و نارنجی، گل‌های سوسن و نسرین در

هستیم. پردیس‌های ساسانی که مجموعه‌های شکارگاه، کاخ و نیایشگاه آنان را تشکیل می‌داد از گنجینه‌های هنر ساسانی است که نقش طبیعت و توجه به منظر در آنها آشکار است. این مکان‌ها در دوران اسلامی به مجموعه باغ‌ها و کوشک‌ها تبدیل شد و همچنین زیارتگاه‌ها و اماکن مقدس نیز از اینها الگو گرفت. بنابراین اگر عناصر نقاشی ایرانی با طبیعت در اشکال گوناگون رابطه دارد، به دلیل تداوم سنت نقش‌پردازی نمادین در هنر و تزئینات معماری ایران باستان است. همایون و همای در بهشتی زمینی با حال و هوای ملکوتی و آسمان با تمامی طبیعت رنگین پیوند خورده و ملاقاتی رویایی را رقم زده‌اند. جوی آب که از کنار درختان می‌گذرد با نقره رنگ‌آمیزی شده تا زلالی و شفافیت آب را بنماید و نقش و نگارها، تذهیب و خطاطی و حواشی صحنه با طلائی و لاجوردی آراسته شده‌اند تا نور و روشنائی را نشان دهند؛ در حالی که با طلائی ماه و ستارگان و درخشش آنها در آسمان لاجوردی هماهنگ هستند. بوته‌های ریز پر گل و درختچه‌هایی با گل‌های ریز و درشت قرمز و نارنجی با رنگ خاکی زمینه و رنگ‌های سبزه ساقه‌ها و برگ‌ها و سبزه‌زار اطراف نهر آب فضایی شاد با رنگ‌هایی متضاد آفریده است. چهار شخصیت انسانی با لباس‌های رنگین چنان در میان گل و بوته‌ها گره خورده‌اند که گویی جزئی از طبیعت باغ و بوستانند. تالگو لباس طلائی-زرد همایون که با دیوار حصار در بالا هماهنگ است، درخشش ویژه‌ای در صحنه میانی بوستان دارد. توجه به جنبه‌های عرفانی داستان‌های رمزی ایرانی حاکی از بلندی معنای نهفته در صورت عادی و ظاهری داستان‌ها است. اگر قالب داستان عاشقانه برای بیان مفاهیم معنوی میان خلق و خالق انتخاب شده، به همین ترتیب می‌توان منظره‌پردازی خاص مینیاتور ایرانی را در تناسب با محتوا و مفهوم داستان، که بیان امر قدسی است، به حساب آورد و آن را حاوی عناصری رمزآلود دانست. چه، "رمز گاهی بعد از تفسیر و توجیه صور خیال مطرح می‌شود ... ممکن است در ورای این تصویرها بیان رمزی نیز باشد ... ستاره‌ای بدرخشید و ماه مجلس شد ... که معنی مجازی ستاره در بیت حافظ... اشاره به انسانی زیبارو دارد. اما این انسان زیبارو آیا به طور قطع اشاره به دوست یا معشوق مادی و زمینی شاعر است؟ یا موجودی الهی و روحانی؟" (پورنامداریان، ۱۳۷۵: ۳۳).

پیوستگی و درآمیختن انسان، آب و گیاه، عناصر ساختمانی، کتیبه‌ها و صفحات تذهیب و دیگر تزئینات و آنچه در زمین و آسمان مینیاتور جلوه‌گر می‌شود که به گونه‌ای رنگین، موزون و همه عناصر آن در حال چرخش و پیچش است، از پرسپکتیو واقعی تبعیت نمی‌کند، بلکه هنرمند در چارچوب ذهنی خویش و در ادامه شیوه گذشتگان در صدد تصویر دنیایی رمزآمیز از معانی است.

نتیجه‌گیری

دیدار همای و همایون در باغ و بوستان رویایی صورت گرفته که منظری زمینی و این جهانی را در نهایت زیبایی با فضایی آسمانی و ماورایی پیوند زده است. در این صحنه روز و شب به هم پیوند خورده، زمان و مکان شکسته شده و منظره‌ای ویژه ترسیم شده است. این صحنه همچون دیگر رویدادهای مینیاتور ایران از عناصر منظر و ریشه‌دار در اندیشه و باور طبیعت‌گرایی ایرانیان بهره گرفته تا در منظره‌پردازی ویژه خود زمینه پرداختن به معانی رمزی و قدسی را فراهم آورد ■

پی‌نوشت

۱. استفاده از برخی درختان و گیاهان چون کاج و سرو همیشه سبز نماد حیات جاوید، میوه‌انار به دلیل دانه‌های زیاد نشان زایش و باروری، چنار، نخل، نیلوفر، شکوفه، ختمی، سوسن، نسرین و گل محمدی به جهت سودمندی و زیبایی سالیانی دراز رایج بوده است؛ که بعضی از اینها نیز جنبه نمادین یافته‌اند.

منابع

- ام. کورکین؛ ژب. سیکر (۱۳۸۷) باغ‌های خیال، ترجمه: پرویز مرزبان، تهران: انتشارات فروغ دانش.
- پورنامداریان، تقی (۱۳۷۵) رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- پیرنیا، محمدکریم (۱۳۸۶) آشنایی با معماری اسلامی ایران، تهران: انتشارات سروش.
- منصور، سیدامیر (۱۳۸۳) "تماشای صحرا: تأملی در زیبایی‌شناسی منظره در شعر حافظ"، مجله باغ نظر، سال اول، شماره اول، انتشارات پژوهشکده نظر، صص ۸۴-۷۱.
- نوروزی‌طلب، علیرضا (۱۳۸۷) "نظریه فرمال، اساس نقد، تفسیر و فهم آثار هنری"، مجله باغ نظر، سال پنجم، شماره دهم، انتشارات پژوهشکده نظر، صص ۸۸-۶۹.
- نوروزی‌طلب، علیرضا (۱۳۸۹) "جستاری در شکل‌شناسی اثر هنری و دریافت معنا"، مجله باغ نظر، سال هفتم، شماره چهاردهم، انتشارات پژوهشکده نظر، صص ۸۵-۶۹.



سرگشتگی و شیدایی یار است، که بید مجنونش خوانند. (اهالی کرمان این درخت را "بید لیلی" خوانند که همین مفهوم را می‌رساند. این عناصر واقعی و در عین حال نمادین با رنگ‌های خالص و شاد فضایی مثبت و با نشاط را ترسیم می‌کند، حتی اگر موضوع داستان ملال‌آور و غم‌انگیز باشد و یا صحنه‌ای خشن و جنگ و ستیز را نشان دهد اما سطوح رنگی و ریتم پر جنب و جوش بر صحنه حاکم است. حضور برخی از عناصر همچون کاج و سرو، کوه، آب، آسمان با ماه، خورشید و ستارگان از نمادهای هنر ایران باستان است که تداوم آن را در نقاشی ایرانی شاهد هستیم. در بررسی آثار مختلف مینیاتور ایرانی به موارد بسیار زیادی از گزینش عناصر طبیعت و استفاده از آنها در موقعیتی غیر متعارف در ترکیب با سایر عناصر روبه‌رو می‌شویم که بر فرضیه نمادین بودن آنها تأکید می‌کند. لکن بحث در خصوص انتخاب این شیوه برای نمادپردازی است که از تقدس عناصر طبیعت نزد هنرمند حکایت می‌کند. تقدسی که پیش از اسلام و در عهد آیین‌های باستان ایرانی آغاز شده و پس از اسلام نیز تداوم یافته است. در جهان‌بینی اسلامی "طبیعت، بستر آیات الهی است. عناصر طبیعت، موجوداتی فاقد معنا نیستند ... بلکه نشانه‌های وجود خداوند هستند که با نظر در آنها می‌توان به سرچشمه‌های جدید معرفت دست یافت. چنانکه حافظ در اشعار خود طبیعت و عناصر آن را آیه‌هایی معرفی کرده است که بی واسطه از وجود مطلق حکایت می‌کنند" (منصوری، ۱۳۸۳: ۸۳).

طبیعت نمادین

در صحنه دیدار همای همایون گرچه آسمان و فضای بالای شب را می‌نماید، اما در باغ روز است و دلدادگان با لباس‌های رنگین و شفاف و هماهنگ با گل‌های رنگارنگ به دیدار هم شتافته‌اند.

بنابراین آنچه فضای مینیاتور را با خیال و رویا و به تعبیر جمعی از اندیشمندان به عالم مثال و عالم تجرید پیوند می‌زند؛ شیوه قرارگیری عناصر واقعی و طبیعی است که در زمان و مکانی واقعی نمی‌گنجند و به گونه‌ای غیر متعارف و رویایی و نمادین در کنار هم شکل گرفته‌اند. چنانکه در دیدار همای و همایون در باغ، روز و شب را در کنار هم مشاهده می‌کنیم. عناصر واقعی همچون گل و درخت و آب، دیوار، آسمان و زمین همه واقعی‌اند. اما به گونه‌ای در کنار هم قرار گرفته‌اند که گویی جهانی دیگر را رقم می‌زنند. دنیایی سراسر شور و نشاط همراه با آرامش. هریک از برگ‌های مینیاتور، توصیف بخشی از کتب شعر و ادبیات با صورتی ترکیبی از واقعیت و فراسوی آن است که نمادها و اسطوره‌ها را نیز دربرمی‌گیرد. درک زیبایی‌شناسی مینیاتور مانند اشعار مربوطه ابتدا درک بدون واسطه و حسی است؛ اما درک عمیق و کامل نیاز به ادراک عقلی و استدلالی دارد که به میزان شناخت مخاطب از مفاهیم و پیشینه‌های اثر بازمی‌گردد (برای آگاهی بیشتر ر.ک به: نوروزی‌طلب، ۱۳۸۷: ۸۵-۶۹).

فارغ از ضرورت‌های علمی برای تفسیر مفهومی مینیاتورهای ایران، می‌توان ارتباط مستقیمی میان شیوه منظره‌پردازی آنها با چارچوب مفهومی منظره‌های نقش‌شده برقرار کرد که الگویی نمادین و سمبلیک دارد.

بسیاری از عناصر طبیعی که در صحنه‌های مینیاتور به چشم می‌خورد دارای بار معنایی خاص در باورها و بینش مردم است. اساساً ایرانیان از گذشته‌های دور برای ایزدان آب و آفتاب تجسم گیاهی، جانوری انسانی و حتی عناصر فلزی چون زر و سیم قائل بودند. منظره‌پردازی و گرایش به طبیعت در مینیاتور، شاخه‌ای از هنر طبیعت‌گرایی ایران باستان است که در نقش برجسته‌های هخامنشی و به خصوص ساسانی شاهد آن